اساتید دانشگاه راهکارهای خود را برای افزایش مشارکت سیاسی جامعه مطرح کردند

کارآمدی و تکثر: فرمول افزایش مشارکت

راضیه فلاح
خبرنگار گروه دانشگاه

چهارده‌همین جلسه هم‌اندیشی دانشگاه خانه گفت‌وگو زیر نظر اداره کل ارتباطات اجتماعی و فراسازمانی دانشگاه آزاد با موضوع نقش دانشگاهیان در مشارکت کمی و کیفی سیاسی جامعه با هدف بررسی راهکارهای افزایش مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوشنبه گذشته، ۲۹ خردادماه برگزار شد. در این جلسه اساتید مختلفی از جمله حسن بنیانیان، سیدفرزاد هاشمی، اصغر مهاجری، شهلا سهرابی، مرتضی یاراحمدی، جهانبخش محبی‌نیا، رضا اکبری‌نوری، آرزو اسلامی، لیلا عیسی‌وند، بیژن صفوی، فرشته حشمتیان و روح الله دارایی نظرات خود را مطرح کردند. همچنین در این جلسه مصطفی مبین، مشاور فرهنگی سیاسی معاون سیاسی وزیر کشور به‌عنوان نماینده وزارت کشور به‌عنوان میهمان حضور داشت. مشروح این جلسه در ادامه گزارش آمده است.

وعده دادن بی‌حساب موجب دلسردی مردم می‌شود

حسن بنیانیان، مشاور و دستیار امور فرهنگی رئیس دانشگاه آزاد: در ابتدا می‌خواهم سخنانی درباره آسیب‌های نظام انتخابات کشور بگویم. مردم‌سالاری جزء ذاتی دین مبین اسلام است و از سوی دیگر رسالت ولی‌فقیه هدایت و رهبری مردم به‌سمت صلاح است. اما به‌علت نقاط ضعفی که در حوزه و دانشگاه وجود دارد؛ هنوز مدل مناسب جامعه اسلامی کشف نشده تا متناسب با آن مشارکت مردم ساماندهی شود. امروز مشارکت حداقلی و با آسیب‌های بسیار زیاد است. برای مثال به تقلید کشورهای غربی ۶ نفر نماینده انتخابات ریاست‌جمهوری را در مقابل هم با یک تریبون می‌گذاریم تا هر کدام اشکالات ۵ نفر دیگر را بیان کند. در نتیجه روز انتخابات مردم باید بین ۶ فردی که مشکلات بسیار دارند، یکی را انتخاب کنند. طبیعی است که با این سازوکار، اگر محاسبات عقلی انجام شود، کسی پای صندوق‌های رأی حاضر نشود. بخشی از عدم حضور مردم در انتخابات مربوط به مدل ایجاد هیجان انتخابات است.

نکته مهم دیگر مربوط به کشورهایی است که مانند ایران پول نفت دارند. در این کشورها وعده‌ها به‌جای آنکه درمورد میزان مالیات و صادرات باشد، براساس میزان پول نفت بیان می‌شود. همین امر باعث شده تا افراد زیادی برای انتخابات مجلس کاندید می‌شوند و به مردم وعده‌هایی می‌دهند که به‌صورت عملی انجام‌پذیر نیست. این توقعات در ذهن مردم تلنبار شده و اگر دزدی‌ای در دستگاه‌های دولتی افشا شود، مردم به یاد وعده‌های انتخاباتی افتاده و همین امر نیز عامل دیگری برای دلسردی آنها برای شرکت در انتخابات است. به بیان دیگر دو اشکال نوع برگزاری برنامه‌های انتخاباتی در تلویزیون و دادن وعده‌هایی برمبنای پول نفت، عوامل اصلی کاهش مشارکت مردم شده است. این دو مورد در مدت ۴۰ سال انقلاب با یکدیگر ترکیب و عاملی شده که دوره به دوره مشارکت افراد را در این سال‌ها کاهش داده که برای نظام مردمی ایران بسیار خطرناک است. درنتیجه این اقدامات کاهش مشروعیت در سال‌های مختلف ۴۰ سال بعد از انقلاب ایجاد شده است.

بهتر است وزارت کشور قبل از حضور افراد در صحنه انتخاباتی فیلم‌های کوتاه انتخاباتی را تهیه کرده و نقش دروغ در جمع‌آوری رأی و گناه بودن صندلی به‌دست آمده توسط نماینده منتخب به‌وضوح در آن بیان شود. اگر بتوان میزان دروغگویی را کاهش داد، بخش زیادی از مشکلات انتخاباتی به خودی خود اصلاح می‌شوند. باید روی دروغگویی بیشتر تمرکز کرد که این خود حاصل ۴۰ سال ارتباط نگاتنگ نمایندگان با مجلس است. همین امر با هدف برگزاری انتخابات برشور انجام شده که به مشروعیت نظام آسیب وارد کرده و امروز وزارت کشور از این پدیده غافل است. زیرا امتیازی که وزارت کشور برای خود درنظر می‌گیرد بسته به میزان مشارکت افراد در روز انتخابات تغییر کرده و میزان موفقیت این وزارتخانه با آن سنجیده می‌شود. به بیان دیگر اگر افراد بیشتری در انتخابات شرکت کنند، امتیاز کاری وزارت کشور افزایش پیدا می‌کند. درحالی‌که باید با پیامدهای فرهنگی بعد از انتخابات میزان امتیاز کاری افزوده شود. امید است این دولت بتواند با این پدیده به‌وجود آمده به‌درستی برخورد کند.

مساله شفافیت در کاهش میزان اعتماد عمومی موثر است

سیدفرزاد هاشمی، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شرق: نرخ مشارکت از ۸۵ درصد در سال ۸۸ و دور سال پیش به نصف رسید. یکی از دلایل این امر کاهش ضریب اعتماد بوده و هر روز در کشور درحال کم شدن است. باید علل کاهش ضریب اعتماد بررسی شده و دلایل آن شناسایی شود. سال ۸۸ یک انتخابات بسیار پرشوری برگزار شد و ۸۵ درصد مردم در این انتخابات شرکت کردند. آن زمان احمدی‌نژاد در همه نظرسنجی‌ها آخرین نفر بین کاندیداها بود. بعد از اتفاقات زمان تبلیغات به صدر لیست نظرسنجی‌ها صعود کرده و درنهایت برنده این انتخاب می‌شود. برخی معترض می‌شدند و جایی برای چرایی ماجرا می‌خواهند؛ مساله در همین مرحله خنثی نمی‌شود و از بین این افراد معترض برخی حتی جزء ارکان نظام بودند. به عقیده من پاسخ درخوری در آن زمان بیان نشد و اولین جایی که ضریب مشارکت کاهش پیدا کرد همین زمان بود و رفتار شفافی در آن مقطع وجود نداشت.

در سال‌های بعد هواپیمای اوکراینی سقوط کرد و در سه روز ابتدایی سیستم‌های مرتبط به صورت متفق‌القول آن را حادثه اعلام کردند. کوکم بعد از آنکه رسانه‌های دیگر کشورها گفتند که موشک به این هواپیما اصابت کرده، بعد از سه روز مسئولان نظام صحت اصابت موشک را قبول کردند. پس از این حادثه اتفاق خاصی رخ نداد و تنها یک عذرخواهی ساده انجام شد، درحالی که حداقل باید چند نفر استعفا می‌دادند.

در سال ۹۸ سران سه قوه به‌طور مشترک تصمیم به گران شدن قیمت بنزین می‌گیرند و هیچ کدام نتیجه تصمیم خود را گردن نگرفتند. در آن سال تعدادی از هموطنان در اعتراضات مختلف کشته شدند که هنوز آمار دقیقی از تعداد آنها اعلام نشده است. مشابه این اتفاق در سال ۱۴۰۱ پس از مرگ مهسا امینی نیز دوباره تکرار شد و تعدادی از مردم کشته و زخمی شدند. برای تک‌تک این اتفاقات هیچ پاسخی به مردم داده نشد؛ درست است که دشمن از این حوادث به نفع خود استفاده کرده اما باید قبول کرد که هسته اولیه همه این اتفاقات در داخل بوده است. انتشار گازهای سمی در مدارس دخترانه به کجا رسید؟ این مسائل با خنده و شوخی که حل نمی‌شود. باید اعلام شود چه کسانی بودند؛ چه افرادی در رابطه با این اتفاقات بازداشت شدند؛ همه این اتفاقات ضریب اعتماد مردم را کاهش می‌دهد. به گمانم امروز ۴۳ درصد ضریب اعتماد مردم دیگر به ۲۰ درصد هم نرسد. باید برای این حادثه پاسخ‌های دقیق داده شود. برخی استعفا دهند، برخی محاکمه شوند و پس از این اقدامات می‌توان مردم را قانع کرد. اگر مسئولان من استاد را قانع کنند، من هم می‌توانم تعداد زیادی از مردم را قانع کنم. اما زمانی که خود من هم سوال دارم، چگونه می‌توانم دیگران را قانع کنم. برای مثال هوش‌مصنوعی بسیاری از کارها را انجام می‌دهد. چرا از این تکنولوژی برای شناسایی افرادی که این گازها را به کار بردند استفاده نشد؟ اگر قرار است از تکنولوژی استفاده شود، امروز باید استفاده کرد.

از دیگر مسائلی که باعث کاهش اعتماد عمومی مردم شده، خود مسئولان کشورند. بسیاری از مسئولان فرزندان‌شان خارج از کشور هستند. در این دولت باز اقداماتی برای این امر ماندند سمت ندادن به افرادی که فرزندانی در خارج از کشور دارند درنظر گرفته شده است. اما با این همه بسیاری از فرزندان مسئولان خارج از کشور هستند. این امر باعث شده برای مردم سوال ایجاد شود که چرا فرزندان مسئولان خارج از کشور هستند درحالی که ما در داخل این کشور زندگی می‌کنیم. پاسخی که از جانب مسئولان برای این موضوع بیان می‌شود نیز جالب است. آنها در پاسخ می‌گویند زندگی خصوصی فرزندان ما است، اما باید قبول کرد این امر درنتیجه تربیت همین مسئولان رخ داده است. به بیان دیگر مسئولان به آنچه می‌گویند اعتقادی ندارند. نکته دیگر آمار و اطلاعاتی است که از صداوسیما پخش می‌شود که همگی یا خطا دارند، یا اشتباه دارند یا مهندسی شده است و به هدف مشخصی پخش می‌شود. پس از این اتفاق مردم ترجیح می‌دهند اطلاعات خود را از دیگر رسانه‌ها دنبال کنند. به بیان دیگر شفافیت در صداوسیما وجود ندارد.

از سوی دیگر برخی از افرادی که در جریان اعتراضات بازداشت می‌شوند، راست یا دروغ ماجراهایی را تعریف می‌کنند که جامعه را جریحه‌دار می‌کند. همه این موارد به‌علت نبود شفافیت است. اگر این موضوعات شفاف شوند من به‌عنوان یک استاد دانشگاه توانایی این را دارم تا طیف وسیعی از مخاطبان دانشگاه خود را مجاب کنم تا این حوادث را جدی‌تر دنبال کنند؛ اما باید اول خود من قانع شوم. دانشجوی امروز سیار باشهامت، باجسارت و بی‌پرواست و حرف‌های خود را بسیار راحت‌تر از من استاد بیان می‌کند. همچنین باید متذکر شد که فقط در انتخابات نباید فکر مشارکت مردم بود. باید در جامعه رفاه‌دوم‌های مختلف مانند ضرورت وجود انرژی هسته‌ای باشد تا مسئولان را برای اعمال قانون هدایت کند.

وزارت کشور با طرح‌واره‌ای راهبردی بین شرکای انتخابات مدیاتحیگری کند

اصغر مهاجری، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی: آیا وزارت کشور به‌خصوص ستاد انتخابات که معاون سیاسی براساس حکم وزیر مسئولیت آن را برعهده دارد، فقط نقش اجرایی در انتخابات دارد؟ اگر پاسخ به این سوال مثبت است، دیگر این جلسه خیلی مشروعیت برای پاسخ‌دهی ندارد. آیا ستاد انتخابات کشور قدرت راهبری برگزاری انتخابات باید علاوه‌بر تلاش ایجاد شود انتخابات، به اعتبار خدشه‌ای وارد نشود. به عبارت دیگر زمانی که اعتبار از دست می‌رود، مشارکت کاهش پیدا می‌کند. در این زمان است که رسانه‌های خبری براساس ذات کاری خود اخبار را منتشر می‌کنند. در این زمان است که باید کاندیدها مراقب باشند تا تنها شور انتخاباتی را بیشتر نکنند درحالی که با کارهای خود مشروعیت نظام را از بین ببرند. دیپلماسی علمی باید با توجه نقش دانشگاه در دستور کار قرار گیرد. می‌توان با جذب دانشجوی دیگر کشورها پیام خود را به سادگی ارسال کرد. نقش قدرت نیم نباید نادیده گرفته شود. این قدرت امروز در همه دنیا به علت پاسخگو نبودن قدرت سخت بسیار مورد استفاده قرار دارد. باید برای رسیدن به این قدرت تلاش بسیار کرد و باید به خاطر سپرد که نقش دانشگاهی ما دراین خصوص بسیار مهم است.

فیلترینگ انتخاباتی در کاهش مشارکت مردم موثر است

مرتضی یاراحمدی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد پرند: در رشته مدیریت دولتی اهمیت در حصول نتیجه است و مدیریت فرآیندی یعنی این جلسه با حضور نماینده وزیر کشور تشکیل شود و مطالبی بیان شود و به اطلاع وزیر کشور برسد اما انتظار دیگر برگزار شود و در عین حال از مباحث مطرح‌شده هیچ استفاده‌ای نشود و دوباره با همان منوال قبل کارها دنبال شود. این نمونه یک مدیریت فرآیندی است. زمانی که اسم جمهوری به معنای مردم روی نظام قرار دارد باید مشارکت مردم در انتخابات افزایش پیدا کند. سال‌های قبل تنها به مشارکت مردم بالیده شده و از چگونگی این مشارکت غفلت شده است. در سال ۷۶ برای اولین‌بار در انتخابات شرکت کردم و در همان زمان بود که در تلویزیون به گونه‌ای از آقای ناطق نوری حمایت می‌شد که مردم از سر لجبازی با همین امر به طرف مقابل آقای خاتمی رأی دادند. درحالی‌که آقای خاتمی رأی لازم را قبل از انتخابات نمی‌شناختند. همین اتفاق در سال ۹۲ نیز دوباره رخ داد. اعتماد عمومی پایین آمده است.

یکی از راه‌های افزایش مشارکت مردمی حضور کاندیداهای همه احزاب و گروه‌ها در انتخابات است. برای مثال انتخابات‌های این سال‌ها به‌گونه‌ای شده که انگار یک سد سیب روی میز شاخه، اما میزبان هر بار به میهمان‌ها بگوید از بین میوه‌های مختلف برای خود چیزی را انتخاب کنید. این در حالی است که تنها یک میوه روی میز قرار دارد و تنوعی نیست. امروز کشور تک‌حزبی شده و مانند آمریکا عمل می‌شود. اگر انتخابات آزاد شود و احزاب و گروه‌های مختلف حاضر شوند، درصورتی که شعارهای انتخاباتی خود را محقق نکنند، خودشان شکست را تجربه می‌کنند. امروز فیلترینگی که روی نظام انتخاباتی حاکم است؛ خود به خود عاملی شده که مشارکت افراد را کاهش دهیم.

از دیگر مسائل تاثیرگذار در این خصوص نحوه برگزاری انتخابات است. یک کاندید چگونه می‌تواند در مدت یک هفته خود را معرفی کند و در همان یک هفته برای تبلیغات خود کلی هزینه برای مردم تولید می‌کند. همچنین در ۶ ماه و یک‌سال قبل نماینده‌ها تبلیغات غیررسمی خود را آغاز کرده‌اند که مجلس و وزارت کشور آن را می‌داند. باید اجازه داد تا از یک‌سال قبل کاندیدا خود را به آرامی معرفی کند تا بتوان مشارکت را با بالا بردن اعتماد افزایش داد.

از دیگر راه‌های افزایش مشارکت رسیدن سخن معترض به گوش معترضان است. باید اجازه اعتراض و بیان حرف مخالف به مردم داده شود تا مردم بدانند نقش آنها در افزایش مشارکت تاثیرگذار است. بیشترین حضوری که مردم در انتخابات داشتند زمانی بوده که طیف سیاسی اصلاحات رأی آورده‌اند. علت آن هم تاکید این طیف سیاسی بر مشارکت مردم است.

از دیگر عوامل موثر در افزایش مشارکت آن است که انتخابات جهت‌دار برگزار نشود. وزارت کشور باید در انتخابات بی‌طرف عمل کند و امروز این وزارتخانه بی‌طرف نیست. همچنین باید مسئولان بدانند که عذرخواهی آنها چهره‌شان را زیباتر می‌کند. با عذرخواهی محبوبیت مسئولان بین مردم بالاتر می‌رود. برای افزایش مشارکت در انتخابات بعدی باید همه این موارد را اجرایی کرد.

وزارت کشور باید گفتمان اجرایی انتخابات خود را نیز عرضه کند

جهانبخش محبی‌نیا، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی: این نشست‌ها، نشست تحلیل و تفسیر و آسیب‌شناسی نیست. در این نشست باید بسته‌ای به‌عنوان راهکار ارائه شود و اگر آن بسته قابلیت دفاع از خود را داشته باشد، آقایان مکلف به عمل به آن هستند. اگر به آن بسته عمل نشود، چرا دانشگاه را موظف شده‌اند و خود مختار هستند. دروغ‌های عادی در انتخابات شورای شهر بیان می‌شود و دروغ‌های بزرگ در انتخابات مجلس شورای اسلامی و دروغ‌های شاخدار در انتخابات ریاست‌جمهوری ترویج پیدا کرده و باز نشر می‌شود و نقش خبرآبکارانه دارد. اگر بخواهیم پیکر انتخابات جامعه را از منظر رفتار سیاسی تحلیل کنیم، نیاز به جنبه‌های دیگری نیز هست که نقش تحلیلی باید پیدا کند.

سابقه وزرای کشور را بررسی می‌کردم و متوجه شدم که کشور وزیر قابلی تاکنون نداشته است. باید اینجا بگویم نه اینکه ایران بد بوده باشد، نه، اما درختان و برجسته در بین آنها نبوده است. همه وزرای پیشین و وزیر امروز این وزارتخانه را نتوانستند مکانی کنند که سیاست کشور آن تهیه و نهادینه شود. هر کدام در زمان وزارت خود وزارت کشور را به‌عنوان یک خانه حزبی کردند و تنها برخی به نسبت دیگری عملکرد بهتری ارائه کردند.

به عقیده من در دانشگاه باید یک اتاق مانند تشریح رشته‌های علوم پزشکی ایجاد شود تا در آنجا اساتید این رشته به‌طور دقیق به تشریح امور مختلف سیاسی بپرداخته و دانشجویان از آن بهره گیرند تا در نتیجه اشکال کار به صورت علمی مشخص شود. عنوان این نشست این است که از دانشگاه چه کمکی به نهادهای رسمی و جامعه و دولت ایران می‌شود که مشارکت مردمی در انتخابات را بتوان تحت‌تاثیر یک پدیده افزایشی قرار داد. در این خصوص باید گفت هر دو نهاد دانشگاه و دولت حرف برای گفتن دارند. دانشگاه نباید همیشه برای خود نقش روشنفکری قائل شود. بله، برخی مواقع افرادی در دولت و دانشگاه تنها در حوزه گردش انتقادی گیر کرده و اگر از این عوامل بگذریم، به هیچ حد کانون‌هایی بدهد که از تحت فدرپاب ریشه دارد. این تفکرات نیز باید قیچی یا اصلاح شوند. دیگر مورد نیز وزارت کشور به دانشگاه رسمیت بیشتری بدهد.

وزارت کشور باید گفتمان اجرایی انتخابات خود را نیز عرضه کند. این وزارتخانه دنبال اجرایی کردن اراده مردم است و باید این امر را به گوش مردم برساند. مقام معظم‌رهبری خلاف سال‌های قبل در همین اول سال از انتخابات سخن گفتند. در دوره‌های قبلی ۳ ماه مانده به انتخابات اگر از این رویداد سخن آورده می‌شد؛ آقا را خراب می‌شدند. امسال نیز به راه ماسال‌ها سخن از مسئلهٔ انتخابات را در اول سال به آن اشاره کردند؟ وزارت کشور، شورای نگهبان، برادران حوزه و دانشگاه چرا برنامه خود را در قبال فرمایشات مقام‌معظم‌رهبری بیان نکردید؟ جهت‌گیری‌ها و اجرایی باید فارغ از نگاه‌های سیاسی و ابزاری انتخاب و از مقوله عبارت قانونی دفاع کرد.

جالب است امسال مقام‌معظم‌رهبری کلیات ویژه‌ای روی انتخابات امسن داشتند که این وظیفه وزارت کشور است تا صندوق‌ها محل خرید و جوزهای نبودیم. ما در امروز مقصر هستیم. از کجا معلوم که مردم این بار اشتباه نکنند؟ یار غار دولت باشد، باید دانشگاه به جایگاه اصلی خود برگردد. دانشگاه غربیه انقلاب نیست. استاد دانشگاه باید حرمت داشته باشد. امروز دانشگاه در دولت و نهادهای رسمی جایگاه ندارد و اعضای هیات‌علمی در مشورت گیری و حرمت‌قائل شدن و بسیاری از موارد باید مورد استفاده قرار گیرد.

نتایج مشارکت و حضور مردم باید در زندگی دیده شود

رضا اکبری‌نوری، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب: صحبت کردن در مورد موضوعی که سال‌های بسیاری در مورد آن صحبت شده، کار ساده‌ای نیست. به هرچه تاکنون بیان شده نیز کسی اهمیت نداده است. مساله ما ایرانی‌ها داستان بازی‌های شده و هر روز که می‌گذرد این داستان بازی‌تر هم می‌شود. امروز دانشگاه برای رسیدگی به مشارکت بالاتر در انتخابات حاضر شده اما در مقابل کسی از دولت حاضر نیست. این رخداد تنها در جهان سوم اتفاق می‌افتد که دانشگاه را کسی حساب نمی‌کند. اگر قرار است افراد دانشگاه به دانشگاه برگردد باید متوجه شویم که اینجا دانشگاه است نه عمله قدرت توسعه‌یافته‌ای سیاست بزرگ‌تر از دانشگاه نیست. تا خود دانشگاه مطالبه این اراده را نداشته باشد؛ چه انتظاری از مردم سیاست برای حفظ این احترام است. دانشگاه باید امروز مطالبه‌گر شود. دانشگاه پیش‌قدم شده تا رابطه دولت و دانشگاه مستقیم‌تر شود و علی‌رغم اینها اندک بتوانیم در امور تاثیرگذار عمل کنیم.

مشارکت قبل از اینکه دستور و خواست ما باشد نطفه‌هایش جای دیگری ریسه می‌شود. مردم آمریکا هر زمان که زندگی‌شان بهبود داشته باشد در انتخابات شرکت می‌کنند. حال با این توصیف امروز ما باید در انتخابات شرکت داشته‌باشیم؟ نتایج مشارکت و حضور مردم باید در زندگی دیده شود.

ما با یک موضوع که ساحت گفتمانی دارد مواجه هستیم. ساحت گفتمانی از ۳ زیرساخت ذهنی، زبانی و رفتاری شکل گرفته است. به بیان دیگر قبل از اینکه بخواهیم مشارکت مردم بالا برود، باید سیاسیون آماده مشارکت شوند که تاکنون میسر نشده است. مردم نیز مهیای مشارکت شده باشند که به علت همان مسائل شرایط زندگی امروز مهیای آن نیستند. مشارکت پیش از آنکه متعلق به باور ما باشد، زمان ما است. چه افرادی که به مشارکت تاکید دارند و چه افرادی که مشارکت می‌کنند، خیلی باور عمیقی به این امر ندارند. در عمل نیز دقیقا عکس آنچه گفته شده اتفاق می‌افتد.

بالاترین میزان مشارکت به دوره‌های هفتم، دهم و یازدهم ریاست‌جمهوری برمی‌گردد. هر کدام از پیروزی‌های انتخاباتی این دوره‌ها امروز کجا هستند؟ روحانی هم سیب همه اوضاع امروز کشور است. مردم هم اگر درست انتخاب می‌کردند ما دچار وضع نبودیم. ما در امروز مقصر هستیم. از کجا معلوم که مردم این بار اشتباه نکنند؟

امروز دچار زمان‌پریشی شده‌ایم و از خاطر برده‌ایم که در چه زمانی زندگی می‌کنیم. زبان پریشی دیگر اشکالی است که امروز با آن مواجه شده‌ایم و ادبیات اشتباه را به کار می‌بریم. روان‌پریشی نیز سومین عاملی است که به علت دو پریشانی قبلی امروز ما را به خود دچار کرده است. درنهایت امروز اگر ما گفتمان نظام سیاسی خود را پیش‌رو بگذاریم، هژمونی آن گفتمان جمعیت است. یعنی جمعی آن گفتمان را در برگرفته و عضو آن گفتمان هستند. مردم یک جامعه با جمع شدن حول یک گفتمان هویت پیدا می‌کنند.

امروز بحران هویت مساله‌ای جدی برای جامعه ما به‌خصوص برای نسل جدید است. چون گفتمان ما به مطالبات نسل جدید پاسخگو نیست و هژمونی گفتمانی ما نیز در داخل دچار سستی شده است.

الگوی انتخاباتی باید تغییر کند

آرزو اسلامی، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی: جهیز زمان دیانت از سیاست جدا نیست و اصلا به این مساله ربطی ندارد که ما در محراب عبادت باشیم و به دیگر مسائل کاری نداشته باشیم. بحث مشارکت سیاسی و انتخابات عزت یک کشور و ملت به آن است که مردمش در یک انتخابات مشارکت داشته باشند و درصد آرای بالاتری داشته باشند. من با سخنان اساتید بنیانیان و محبی‌نیا کاملا موافق هستم و اگر مسائل مختلف در یک کالبد مطرح شوند و این کالبد در دستان وزارت کشور قرار بگیرد، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. اگر این کالبد ارائه شود خود به‌خود برای دانشگاه ارج می‌آورد و وزارت کشور نیز ملزم است تا آن کالبد را انجام دهد. یکی از مواردی که باید در حوزه مشارکت مطرح شود این است که باید سواد رسانه‌ای دانشجویان را بالا برد. حتی سواد رسانه‌ای اساتید را باید بالا برد. اعتراضات خیلی خوب و جذاب است و به‌طور دقیق می‌تواند ما را بالنده کند. اگر امروز اعتراض می‌کنیم به علت علاقه‌ای است که به کشور خود داریم و می‌خواهیم کشور پیشرفت کند. نه اینکه با نگاه غیرمنصفانه و غیرعادلانه به موضوعات نگاه کنیم.

مبحث سواد رسانه‌ای یا سیمای مهم است و دشمن برای ما برنامه‌ریزی کرده است. دانشجویان امروز افرادی پرشور، جسور و مغرور هستند و من استاد باید یک شور انتخاباتی را در کلاس ایجاد کنم. اگر اساتید هم این امر را محقق نکنند خودشان در حق خود جفا کرده‌اند چون فرصت ابراز نظر داشته‌اند. باید به دانشجویان این تئوری را بیاموزیم که شرکت در انتخابات حق آنهاست.

باید الگوی انتخاباتی تغییر کند. خیلی خوب است که مناظره انتخاباتی می‌شود ولی اگر کسی با یک چشم نقاد نگاه می‌کند؛ کاملا شفاف و صریح از ادبیات درست سیاسی استفاده کند که همین امر باعث می‌شود. وزارت کشور باید آهسته حرکت کند تا تاکیدات مقام‌معظم‌رهبری را برای برداشتن نامیدی از روی مسائل مختلف بردارد. مسئولان باید اعتماد مردم را جلب کنند و نمایندها به‌خصوص باید اقدامات خود را در دوره خود مطرح کنند تا مردم از آنها مطلع شوند و بدانند همین اقدام کم خود به‌نوعی اعتمادسازی می‌کند.

سیاسیون از تجویز دانشگاه استفاده کنند

لیلا عیسی‌وند، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب: برخی از همکارها تاکید می‌کنند که باید به دستاوردها اشاره کرد و مشکلات کشور را نباید پیش برد. باید عرض کنم که کار دانشگاه به‌طور اساسی کار نقد است. دانشگاه در قدرت نیست و بلکه بر قدرت است. همچنین در شأن دانشگاه نیست که عمله قدرت باشد. براساس تفکر رایج در ایران جریان روشنفکری وجود ندارد و آنچه وجود دارد، برای قبل از انقلاب و جریان‌های چپ بوده است.

هر ۴ سال یک بار گروهی جمع می‌شوند و نظرات آنها خواسته می‌شود تا در مورد آنها مطالعه شود که به عقیده من این روش اصلا کارساز نیست. زمانی که از مشارکت سیاسی صحبت می‌شود از یک کنش سخن گفته می‌شود که این کنش به پشتوانه سرمایه اجتماعی به نتیجه می‌رسد. آمار نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی نشان از آن دارد که باید از انقلاب به‌شدت شیب نزولی پیدا است. این سرمایه که ۱۲ کلمه مردم به مردم، مردم به حکومت و حکومت به مردم دارد. همین موضوع اجرا جهیز یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. آمار نشان می‌دهد سال ۸۴ سرمایه اجتماعی ۱۲ بود که این میزان در سال ۹۴ به ۹ رسیده است.

کاهش سرمایه اجتماعی اثرات احتمالی دارد که ما اثر قطعی آن را در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته دیده‌ایم. به‌تازگی اینترنت نیز به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح شد که ما در این شاخص نیز بسیار بد عمل کرده‌ایم. سرعت و دسترسی به اینترنت بسیار کم و محدود است. همین امور باعث کاهش سرمایه اجتماعی در این سال‌ها شده است. مجلس امروز عملکرد بدی داشته و این امر بارها نمایان شده است. علی‌رغم اینکه نظارت استصوابی را پذیرفته‌اند همین عاملی شده تا میزان کم جمهوریت از بین برود. درنهایت نیز دانشگاه باید کارهای تجویزی انجام دهد و مردان سیاسی باید از آن استفاده کنند.

صداقت در عمل و رفتار رضایت عمومی را افزایش خواهد داد

محمدطاهری، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی: به‌طور طبیعی نقد و نفی کردن کار سختی نیست. آنچه از برگزاری این جلسات مشهود است آن است که هر هفته با محوریت یک موضوع در نظر داریم مساله‌ای را مشخص کنیم و برای رفع مشکلات آن اقدامی انجام شود. مدتی است دولت آغوش خود را برای شنیدن راه‌حل باز کرده و برای مدیریت این فضا کمک می‌خواهد که اگر همه مشکلات حل نشد حداقل کاهش پیدا کند. مشارکت ابعاد مختلف و بسیار گسترده‌ای دارد و یکی از اشکال آن مشارکت در انتخابات است. قبلا اجماع نظر کمتری بین دولت و ملت وجود داشته که خوشبختانه امروز این مساله شکل گرفته است. باتوجه‌به اکثر مطالب اساتید حاضر اجتماعی شکل گرفته که بدنه سیستم و جامعه دانشگاهی هر دو نگران هستند. به‌طور طبیعی راه‌حل یک شبه به دست نمی‌آید و بسیاری از همکارها به آن اشاره کردند. جلب اعتماد و احترام جامعه به‌ویژه دانشگاهی‌ها امروز یکی از دغدغه‌های دانشگاه است. امید است این مساله در یک فرآیند حل شده و برای آن فکر اساسی شود. مساله دیگر افزایش رضایت عمومی است که برای بسیاری از افراد جامعه در رفاه معیشت خلاصه می‌شود. پرهیز از بازی کردن در نقش‌های انحرافی توسط برخی از مسئولان یکی دیگر از نکاتی است که باید در این زمینه رسیدگی شود. درنهایت نیز صداقت در عمل و رفتار باید در مرام مسئولان باشد. اگر به این موارد رسیدگی شود شکاف بین دولت و ملت کاهش خواهد یافت.

دانشگاه می‌تواند بهترین نقش در جریان‌سازی انتخابات را داشته باشد

فرشته حشمتیان، معاون امور آموزشکده‌ها و مدارس سما: در گذشته یک آسیب‌شناسی در دانشگاه جایش خالی بود که امروز با جلسات دانشگاه خانه گفت‌وگو این بستر ایجاد شده و به‌صورت هدفمند پیش می‌رود. زمانی که رهبر انقلاب شعار سال را مطرح می‌کنند فراموش می‌کنیم که در انتهای این شعار رسیدن نهایی که اشاره کردند. مطالبه شخص اول نباید نادیده گرفته شود. در موضوع مشارکت سیاسی‌بازی، سیاسی‌کاری و سیاستمداری را نباید فراموش کرد. زمانی که عامه مردم را در نظر می‌گیریم نگاه فردی، خانوادگی و اجتماعی داریم. گاهی تصور می‌کنیم فرد تنها از جامعه تغییر می‌کند و از بخش فردیت آن غافل می‌شویم. دانشجو منتظر بدنه شدن است و این بدنه دیده نمی‌شود به خانواده تبدیل می‌شود. همه این موارد در سیاستمداری جای دارد.

ادامه از صفحه ۴

۲۰۱۳ شاخص رفاه ۱۲۳ بوده که این شاخص در سال ۲۰۲۳ نزول کرده و به ۱۲۶ رسیده است. اگر همین شاخص در مشارکت سیاسی در نظر گرفته شود مشخص است که در کوتاه‌مدت نمی‌توان برایش راهکار ارائه داد. اما راهکارهایی است که می‌توانند در درازمدت این سرمایه اجتماعی را برگردانند.

سرمایه اجتماعی کشور جایگاه مناسبی ندارد

بیژن صفوی، عضو هیات‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب: دوستان به موضوعات مختلفی اشاره کرده‌اند که در جمع‌بندی آن می‌توان گفت به علت خدشه‌ای که به اعتماد عمومی وارد شده سرمایه اجتماعی کشور جایگاه مناسبی ندارد. نکاتی مانند شفافیت می‌تواند کارکرد خود را داشته باشد تا درنهایت با کارکرد، اعتماد عمومی منجر به سرمایه اجتماعی شود. به اعتقاد من جواب بسیاری از سوالاتی که امروز مطرح شد به علت نبود یا ساختار تا سازوکاری است که بسته‌ای از شاخص‌ها در همه امور است و درنهایت نیز متکی به مر قانون است. زمانی که رئیس‌جمهوری انتخاب می‌شود باید براساس همین شاخص‌ها باشد و زمانی که ریاست‌جمهوری منتخب وزرای خود را انتخاب می‌کند نیز باید براساس همین شاخص‌ها باشد و این قصه تا کوچک‌ترین اعضای مدیریتی باید ادامه داشته باشد. ما ایرانی‌ها در بسیاری از شاخص‌های اجتماعی و فردی برتری داریم اما چرا به گونه‌ای رقابت می‌کنیم که گاهی حتی ما را مسخره کنند. کشور چین یا همه جمعیت بالایی که دارد به گونه‌ای ساختارمند حرکت می‌کند که رشد اقتصادی و بهره‌وری بالایی داشته باشد. زمانی که ساختار در کشور وجود نداشته باشد این دولت آن دولت قبل را متهم می‌کند.

اگر کسی در وزارت کشور می‌خواهد از وضعیت امروز عبور کند باید برای ساختارسازی اقدام کند. به این امر نیز باید در بلندمدت پرداخت تا این وضعیت